

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: تتمه احکام غسل

موضوع جزئی: حکم اجتماع اغسال متعدده بر مکلف

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۲۳ مهر ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۸ ربیع الأول ۱۴۴۴

جلسه: ۱۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۶۹۸ بود. عرض شد که گاهی همه غسل‌هایی که بر ذمه مکلف‌اند، واجب‌اند، گاهی همه غسل‌ها مستحب‌اند و گاهی بعضی واجب و بعضی مستحب‌اند. در ادامه عرض شد که این مسأله از دو منظر باید بررسی شود؛ یکی از منظر قواعد و دیگری از منظر نصوص و روایات. عرض شد که در رابطه با اجتماع اغسال متعدده واجب، قاعده اقتضای تداخل را دارد، یعنی مکلف می‌تواند با غسل واحد، جمیع غسل‌هایی که بر ذمه‌اش است را نیت کند و انجام یک غسل از همه آن اغسال کفایت می‌کند، مثل اینکه با انجام یک غسل، هم غسل جنابت را نیت کند، هم غسل نذر را و هم غسل مس میت را نیت کند و یک غسل از همه این غسل‌ها کفایت می‌کند.

در رابطه با اجتماع اغسال متعدده مستحب، عرض شد که صوری قابل تصویر است که صورت اول در جلسه گذشته اشاره شد و آن، این بود که نسبت بین دو غسل مستحب، عموم و خصوص من وجه باشد، مثل غسل جمعه و غسل إحرام که دو وجه افتراق دارند و یک وجه اشتراک دارند. در فرضی که غسل جمعه و إحرام جمع شوند از این جهت که متعلق این دو غسل متغایر است [که متعلق یکی إحرام و متعلق دیگری جمعه است]، مانعی از تعدد امر و طلب نیست و قاعده، اقتضای تداخل را دارد چون هر یک از دو امر به غسل إحرام و غسل جمعه اطلاق دارند، پس اگر مکلف برای جمعه یا إحرام غسل کند و در ضمن یک غسل، هر دو را نیت کند، غسل او از هر دو غسل [جمعه و إحرام] کفایت خواهد کرد حتی اگر از غسل دیگر غافل باشد، مثل اینکه در روز جمعه غسل إحرام کند و از غسل جمعه غافل باشد که در این صورت، غسل او از غسل جمعه نیز کفایت خواهد کرد.

صورت دوم، این است که نسبت بین دو غسل مستحب، عموم و خصوص مطلق باشد [که از یک طرف، کلیت ثابت است و از طرف دیگر، کلیت ثابت نیست و جزئی است، مثل نسبت بین حیوان و انسان که نسبت بین این دو عموم و خصوص مطلق است، یعنی حیوان اعم از انسان است و انسان أخص است، یعنی هر انسانی، حیوان است ولی هر حیوانی، انسان نیست چون بعضی از حیوانات انسان و بعضی دیگر از حیوانات، انسان نیستند و]؛ مثل غسل جمعه و غسل جنابت [غسل جنابت فی نفسه مستحب است و وجوب آن، غیری و برای نماز و امثال آن است] که نسبت بین این دو عموم و خصوص مطلق است و غسل جنابت، اعم از غسل جمعه است چون مأوربه در غسل جنابت، طبیعت غسل (غسل بما هو غسل و با صرف نظر از خصوصیت دیگری) است و مأوربه در غسل جمعه، غسلی است که مقید به بودن در روز جمعه است، پس نسبت بین این دو عموم و خصوص مطلق است زیرا هر غسل جمعه‌ای تحت طبیعی غسل قرار می‌گیرد ولی هر طبیعی غسل، الزاماً غسل جمعه نیست، بلکه طبیعی غسل ممکن است که غسل جمعه باشد و ممکن است که غسل جمعه نباشد، پس بعضی از طبیعی غسل، غسل جمعه است و هر طبیعی غسل، الزاماً غسل جمعه نیست بنابراین، چون نسبت بین این دو غسل دو عموم و خصوص مطلق است قاعده، عدم تداخل را اقتضا می‌کند زیرا تعلق دو امر

و دو بعث به طبیعت واحده محال است - مرحوم شیخ علی پناه اشتهااردی^۱ در کتاب مدارک العروة، برای عدم تعلق دو بعث به طبیعت واحده مثالی ذکر کرده است و گفته است که همان گونه که وقتی با کبریت چیزی روشن شد، کشیدن کبریت دوم به قصد روشن کردن آن، لغو است زیرا تحصیل حاصل است و تعلق دو بعث به طبیعت واحده نیز این گونه است، یعنی بعد از تعلق یک بعث به طبیعت واحده، لغو است که دوباره بعث جدیدی به آن تعلق بگیرد - هر چند که هر دو مستحب باشند پس، چاره ای جز تقييد متعلق هر کدام از آن دو بعث به قیدی غیر از قیدی که به دیگری تعلق گرفته، نیست یعنی باید هر کدام از غسل جنابت و غسل جمعه مقید به قیدی شوند که متفاوت با دیگری باشد و در این صورت، تعلق دو بعث به طبیعت واحده لازم نمی آید، بلکه هر کدام با قیدی که به آن مقید شده است از دیگری ممتاز می شود.

صورت سوم، این است که بین دو غسل مستحب، نسبت تساوی باشد؛ مثل غسل زیارت و غسل جنابت که در این صورت نیز قاعده، عدم تداخل را اقتضا می کند زیرا محال است که دو امر و دو بعث به طبیعت واحده تعلق بگیرند، مگر اینکه هر یک از آن دو، مقید به قیدی شوند که با قیدی که به دیگری تعلق گرفته است، متفاوت باشد.

حکم اجتماع اغسال متعدده واجب و مستحب

از آنچه در رابطه با حکم اجتماع اغسال متعدده واجب و مستحب بیان شد، حکم اجتماع اغسال متعددی که بعضی از آنها واجب و بعضی دیگر مستحب باشند نیز روشن می شود، مثل غسل مسّ میّت یا غسل جنابت [که واجبند] و غسل زیارت [که مستحب است] که در این صورت، قاعده، تداخل را اقتضا می کند زیرا امر در غسل واجب، ارشاد به شرطیت غسل برای نماز است و لذا مانعی از اجتماع چنین امر واجبی [، یعنی امر به غسل جنابت یا غسل مسّ میّت که وجوب نفسی مولوی ندارند، بلکه وجوب غیری ارشادی دارند] با امر استحبابی مولوی [که امر به غسل زیارت است]، نیست، پس در فرض مذکور، انجام غسل واحد از هر دو غسل مورد نظر، کفایت می کند.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. علی پناه، اشتهااردی، مدارک العروة، ج ۵، کتاب الطهارة، ص ۱۲۷.